



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۱، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۶۲-۲۴۲

هیدروهمومونی در حوضه رودهای داخلی (فروملی)

نمونه پژوهی سد تنگ گاوشمار در استان لرستان

احمد رشیدی نژاد

دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران

a_rashidin@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

چکیده

به تناسب تعداد بی‌شمار رودهای داخلی به نسبت رودهای بین‌المللی، بیشتر کشمکش‌های مرتبط با آب، در سطوح داخلی رخ می‌دهند. به شکلی که در برخی کشورها، عدم مدیریت صحیح در تخصیص منابع آب، نوع مناسبات جوامع و واحدهای سیاسی - فضایی فروملی را تحت شعاع قرار داده، موجبات تنش بین آنها را فراهم نموده است. تحولاتی که به شکل روزافزون، نمونه‌هایی متعددی از آن در سراسر جهان و در همین ایران، قابل رویت است. در این باره، رقابت بین جوامع و ساکنین فرادست - فرودست حوضه رودخانه‌ی کشکان، موردی قابل تأمل است. نمونه‌ایی که بهترین نمایش رقابت آن در قالب ساخت سد تنگ گاوشمار (معشوره) در بالادستی این رودخانه، تجلی یافته است. بر این اساس پژوهش حاضر در قالب روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، بر آن است تا با پاسخ به پرسش؛ تعویق پروسه ساخت سد تنگ گاوشمار معلول چه دلایلی است؟ رقابت‌های فروملی در سطح حوضه رودخانه کشکان را به منصفی ظهور گذارد. در واقع هدف پژوهش، تحلیل چرایی عدم ساخت سد تنگ گاوشمار در قالب مفهوم «هیدروهمومونی فروملی» است. نتایج نشان داد که در سطح محلی (درون استانی) «همومونی امنیتی» بخش پایین‌دستی (پلدختر) حوضه رودخانه، موجب شده است که بخش بالادستی (کوه‌دشت) با ضعف در «همومونی اقتصادی»، نتواند منابع مالی مورد نیاز احداث سد را فراهم نماید. در سطح منطقه‌ای (بین استانی) نیز، اهمیت استراتژیک استان خوزستان و نقش و جایگاه این استان به لحاظ مسائل مختلف، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ... برای کشور، مانع از آن است که دولت مرکزی ریسک نارضایتی و ناآرامی را در این استان بپذیرد.

کلید واژگان: رودهای داخلی، هیدروهمومونی، کشکان، سد گاوشمار (معشوره).

مقدمه

از منظر حقوق بین‌الملل، رودها به دو گروه عمده رودهای ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند. در قیاس با رودهای بین‌المللی که بر حوضه آنها، سطوح مختلفی از دولت‌های ملی، استانی و محلی حکمرانی می‌کنند (Campbell & Barlow, 2018: 301)، رودهای ملی (داخلی)، رودهایی هستند که در داخل یک کشور جاری بوده و قسمتی از قلمرو سرزمینی یک کشور محسوب می‌شوند. نقطه شروع و پایان این رودها در داخل سرزمین یک کشور بوده، و تماماً تحت حاکمیت و بهره‌برداری [یک دولت قرار دارند] (مشهدی و اکبری، ۱۳۹۹: ۳۱۲). هرچند آمار دقیقی از تعداد رودهای کوچک و بزرگ داخلی وجود ندارد که با عبور از مرزهای واحدهای سیاسی - فضایی درونی (روستاها، بخش‌ها، شهرها و استان‌ها)، مناسبات و سرنوشت جوامع و گروههای مختلف مردم این کشورها را به هم پیوند می‌زنند، اما بی‌شک به تناسب تعداد فراوان رودهای داخلی به نسبت رودهای بین‌المللی، بیشتر کشمکش‌های مرتبط با آب، در سطوح داخلی رخ می‌دهند. به شکلی که در برخی کشورها، عدم مدیریت صحیح در تخصیص این منبع حیاتی، نوع مناسبات این جوامع و واحدهای سیاسی - فضایی را تحت شعاع خود قرار داده، موجبات تنش بین آنها را فراهم نموده است. تحولاتی که به شکل روزافزون نمونه‌هایی متعددی از آن در سراسر جهان و در همین ایران، در حال رخ‌نمایی است. در این باره، رقابت بین جوامع و ساکنین فرادست - فرودست حوضه رودخانه کشکان، موردی قابل تأمل است. نمونه‌ایی که بهترین نمایش رقابت آن در قالب ساخت سد تنگ گاوشمار (معشوره) در بالادستی این رودخانه، تجلی یافته است. سدی که هرچند مطالعات اولیه آن مربوط به سال ۱۳۸۱ و آغاز عملیات اجرایش به سال ۱۳۹۲ برمی‌گردد، ولی به انحاء مختلف روند ساخت آن حدود دو دهه متوقف شده بود.

گاوشمار نام سدی بتونی دو قوسی است، که محل احداث آن حدود یک کیلومتر پایین‌تر از محل تلاقی دو شاخه اصلی تشکیل‌دهنده رودخانه کشکان، یعنی «کاکارضا» و «چم زکریا»، در محل تنگ «گاوشمار»، در نزدیکی روستای «گنج‌دره» از توابع شهرستان دلفان قرار دارد. برآوردها حاکی از این است که با احداث این سد، علاوه بر تامین آب شرب شهرستان‌های کوه‌دشت، پلدختر، رومشکان و چگنی به مقدار ۲۰ میلیون مترمکعب، در مجموع ۱۷۰ میلیون مترمکعب آب در اختیار ۴۹۰۰۰ هکتار زمین‌های کشاورزی شهرستان‌های کوه‌دشت، چگنی و رومشکان قرار خواهد گرفت. این در شرایطی است که به گفته «حسنی مقدم» رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان مهم‌ترین چالش بخش کشاورزی استان، تامین منابع آب است. بنابر اظهارات وی: «کشاورزان دیم‌کار لرستانی در مقاطعی به دلیل نبود بارش به موقع و مشروب نشدن زمین‌های کشاورزی، تولید اقتصادی نداشته، در مواردی نیز متضرر می‌شوند. لازم به ذکر است که ۸۰۰ هزار هکتار یا ۷/۴ درصد از زمین‌های کشاورزی کل کشور در استان لرستان قرار داشته و ۱۳۰ هزار نفر بهره‌بردار بخش کشاورزی در این استان هستند. این یعنی ارتزاق ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفری مردم لرستان از این بخش و ارزش افزوده‌ای معادل هفت هزار میلیارد تومان از محصولات تولیدی بخش کشاورزی». از طرفی با کنترل، مدیریت

و ذخیره‌سازی نزدیک به یک میلیارد مترمکعب از جریان‌های سیلابی فصلی رودخانه کشکان، مضاف بر اینکه از بروز خسارات مالی و جانی در مناطق پائین‌دست (شهرستان‌های چگنی و پلدختر و استان خوزستان) پیش‌گیری می‌شود، با ایجاد فرصت‌های شغلی (مستقیم و غیرمستقیم)، توسعه زیرساخت‌ها، تولید برق، توسعه کشاورزی، دامداری و صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با بخش کشاورزی، توسعه بخش صنعت و ... نظام فضائی سکونتگاه‌های انسانی در منطقه ساماندهی می‌گردد (شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان).^۱ با این تفاسیر و اهمیتی که آب و ساخت این سد برای مردمان استان لرستان دارد؛ پژوهش حاضر، ضمن بررسی پروسه ساخت سد تنگ گاوشمار، بر آن است تا با پاسخ به این پرسش که؛ تعویق پروسه ساخت سد تنگ گاوشمار معلول چه دلایلی بوده است؟ رقابت‌های فراملی در سطح حوضه رودخانه کشکان را به منصفه ظهور گذارد. در واقع هدف پژوهش، تحلیل چرایی عدم ساخت سد تنگ گاوشمار در قالب مفهوم «هیدروهمزگونی فراملی»، بین واحدهای سیاسی - فضایی حوضه رودخانه کشکان است.

مباحث نظری

هیدروپلیتیک

دهه‌ها است که اصطلاح «آب یعنی زندگی»، در سراسر جهان نشر و اشاعه یافته است. عبارتی ساده، که نشان از ارزش انکارناپذیر آب در زندگی دارد. در واقع، همان‌طور که جهان به سرعت در حال توسعه است، ارزش والای آب به عنوان یک کالای حیاتی برای بسیاری از فعالیت‌های بشر، بیشتر نمایان می‌شود. از مصارف خانگی گرفته تا کشاورزی، و از تولیدات نساجی تا ذوب فولاد و تولید انرژی، آب یک کالای با اهمیت است (Ravid, ۲۰۱۹: ۲) به طوری که تقاضا برای آب شرب (مصارف خانگی) تنها از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۴، سریع‌تر از هر بخش دیگری، ۶۰۰ درصد رشد داشته است. تقاضا برای آب مورد استفاده برای پرورش محصولات زراعی و دامی نیز نسبت به قرن گذشته بیش از ۱۰۰ درصد و برای آب صنعتی به دلیل افزایش تقاضا برای تولید برق، انرژی و کالاهای پرآب مانند منسوجات بیش از ۳۰۰ درصد برابر شده است (Schleifer & Otto, 2020/10/2).^۲ بهترین راه تجزیه و تحلیل این موضوع، بررسی سه بخش اصلی استفاده از آب، یعنی؛ خانگی، کشاورزی و صنعتی است. بیشتر این مصارف به ترتیب در بخش‌های کشاورزی و صنعت (۷۰ و ۱۹ درصد) و مابقی در بخش خانگی بوده است (https://lifewater.org).^۳ بخش کشاورزی که شامل محصولات کشاورزی، دامداری و آبی‌پروری است، ابزاری است که از طریق آن عمدتاً برای تولید غذا استفاده می‌شود. هرچند بیشتر کشاورزی دیم است، ولی حدود ۱۵ درصد از آب مورد استفاده در این بخش، از طریق سیستم آبیاری است. روشی

^۱ www.lsrw.ir

^۲ www.wri.org/blog/2020/02/growth-domestic-water-use

^۳ https://lifewater.org/blog/water-poverty

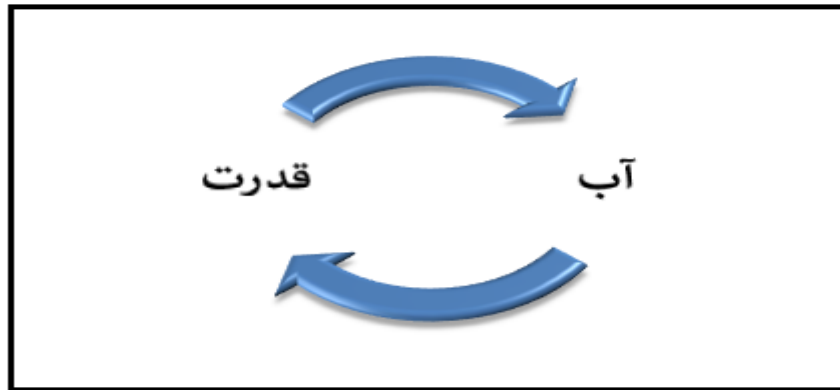
استراتژیک که به کشاورزان اجازه می‌دهد تا محصولات را بکارند که در غیر این صورت، باران کافی برای کاشت و داشت آن‌ها وجود نداشت. بخش دوم، صنعت است؛ که اساساً از آب برای شستشو و خنک‌سازی استفاده می‌کند. سومین بخش، خانگی است که مصارف شخصی و نیازهای بهداشتی و همچنین خدمات عمومی مصرف آب را در بر می‌گیرد (Gleick, 2008: 2-3). دوشادوش توسعه، افزایش جمعیت نیز نقش کلیدی را در ارزش‌یابی بیشتر آب داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که جهان طی دو قرن گذشته با روندی بسیار سریع از ۱۹۰۰ بدین سو، بیش از ۵ میلیارد نفر افزایش جمعیت داشته است. چیزی نزدیک به ۳ برابر، که افزایش ۶ برابری مصرف آب، ماحصل آن است (Castelo, 2020/1/21). در حالی که، پیش‌بینی جمعیت جهانی گویای این است که زمین تا سال ۲۰۵۰، با افزایش ۲/۲ میلیاردی، به ۹/۷ میلیارد نفر خواهد رسید. برآورد می‌شود که تولید ناخالص داخلی جهان تا میانه این سده به میزان ۲/۶ درصد در سال افزایش داشته باشد. توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت با افزایش تقاضای جهانی برای آب همراه خواهد بود. لذا سازمان همکاری و توسعه اقتصاد جهانی انتظار دارد که با افزایش ۴۰۰ درصدی تقاضا برای آب در بخش تولید (کشاورزی-صنعتی)، ۱۴۰ درصدی در بخش انرژی (برق) و ۱۳۰ درصدی در مصارف خانگی، مصرف جهانی آب تا سال ۲۰۵۰ رشدی ۵۵ درصدی داشته باشد (Klimes et al, 2019:1). تا جایی که مطابق مطالعات، انتظار بر این است که، ۳/۵ تا ۴/۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ به دلیل تغییرات اقلیمی و افزایش تقاضای آب برای فعالیت‌های انسانی، در شرایط کمبود آب زندگی کنند (Martina, 2019: ۲). بدین ترتیب افزایش جمعیت و تقاضا برای مصرف آب، موجب این نگرانی است که کمبود یا دسترسی محدود یا نابرابر به منابع آب، به تنش‌های درون و برون سرزمینی بیانجامد. [این نگرانی نه فقط به این دلیل است] که افزایش ۸۰ میلیونی سالانه جمعیت جهان، افزایش ۶۴ میلیارد مترمکعبی آب را طلب می‌کند (Worcester, 2016:1). بلکه بدین خاطر است که به مانند توزیع نامتوازن بارش در کره زمین، عدم تطبیق منابع آبی (سطحی و زیرسطحی) با محدوده زندگی جوامع بشری، عاملی بالقوه برای کشمکش و رقابت بین آنها خواهد بود. بدین ترتیب، در حلقه اشتراک اقتصاد، سیاست و تلاش‌های حفاظت از محیط‌زیست، گفته می‌شود که مدیریت و توزیع منابع آبی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی قرن بیست و یکم است. به طوری که امروزه مفهوم گسترده‌ای در رسانه‌ها و فرهنگ عامه شکل گرفته است که «تامین آب»، منبع درگیری‌های اساسی فراملی و فراملی خواهد بود، چرا که آب در شرف کمیاب شدن است (Gleick, 2008:۱). مفهومی تحت عنوان «هیدروپلیتیک»، که در برگیرنده مناسبات قدرت کنشگران (فراملی) و بازیگران (فراملی) بر سر مسائلی است که به نوعی در پیوند با کمبود آب شیرین قرار داشته، و رفتار و مناسبات سیاسی جوامع انسانی و واحدهای سیاسی- فضایی را بر سر آب مورد بررسی قرار می‌دهد (رشیدی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

۱. بیشتر آب مورد استفاده برای اهداف صنعتی (تقریباً ۹۶٪) تنها یک‌بار مورد استفاده قرار گرفته و سپس به عنوان پساب به آبراه‌های محلی باز می‌گردد. به این ترتیب، فعالیت‌های بخش صنعتی اغلب منابع آب را آلوده کرده و در نتیجه عرضه آب را کاهش می‌دهند. با این حال، بازدهی استفاده مقدار معینی از آب در صنعت، تا ۷۰ برابر بیشتر از همان مقدار آب، در بخش کشاورزی است.

هیدروژمونی در سطح فراملی

در فراسوی مرزها، جمعیت و ملت‌ها، «آب» در سطوح مشترک ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. ۳۱۰ حوضه رودخانه‌ای در میان مرزهای دو یا چند کشور قرار گرفته‌اند (Grech-Madi et al, 2018: 100). این حوضه‌ها، بخش‌هایی از ۱۴۵ کشور و تمامیت سرزمینی ۳۰ کشور را پوشش می‌دهند (www.unwater.org) به عبارتی، نزدیک به نیمی از جمعیت جهان در داخل حوضه این رودها و بیش از ۹۰ درصد درون کشورهای دارنده این حوضه‌ها، سکنا دارند (deQueiroz & Tiburcio, 2018: 18). با این شرایط، از یک سو، کوشش کشورها برای بهره‌برداری حداکثری از این منابع آبی (Al-Ansari et al, 2018: 187)، و از سوی دیگر، عدم تقارن قدرت میان اعضای این حوضه‌ها، منبعی برای بی‌ثباتی و مانعی برای حصول همکاری است. مفهومی که با گفتار «وارنر» درباره پیوستگی میان مفاهیم قدرت و آب، بهتر تبیین می‌شود: «کشورهای بالادست، از آب برای به دست آوردن قدرت و کشورهای پایین‌دست، قدرت را برای به دست آوردن آب، بکار می‌گیرند» (Warner, 2004: 13). به طور مثال، موقعیت مصر و اسرائیل در فرودستی رودخانه‌های نیل و اردن، بیانگر این است که چگونه قدرت مطلوب نسبت به دیگر کشورهای بالادستی، موجب فراهم‌آوری سهم مطلوبی از منابع آبی این رودخانه‌ها، برای آنها شده است. در مقابل، بهره‌برداری ایزاری ترکیه، از منابع آب دجله و فرات، در رقابت منطقه‌ای با کشورهای فرودستی (سوریه، عراق)، ناشی از موقعیت جغرافیایی فرادستی این کشور است. این بدان معنا است که ساختار هیدروژمونی یک حوضه، مضاف بر قدرت جغرافیایی (بالادستی)، ماحصل قدرت‌های، اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماسی است (Seifu merid, 2016: 38). به عبارتی ممکن است کشوری از نظر موقعیت جغرافیایی در وضعیت بالادستی رودخانه قرار داشته باشد اما این تنها یک عامل از مجموعه عوامل هیدروژمونی است که لزوماً به معنای برتری هژمونیک آن کشور بر کشورهای پایین‌دستی نیست. چرا که از منظر وزن ژئوپلیتیک ضعیف‌تر و یا به واسطه اعمال قراردادهای بین‌المللی، این وضعیت فرادستی برای کشور یاد شده برتری به همراه نداشته باشد. بنابراین، جغرافیا تنها زمانی می‌تواند سودمند باشد که یک کشور بالادستی قدرت جغرافیایی را با دیگر قدرت‌های مالی، اقتصادی، نظامی و دیپلماسی درآمیخته باشد. "زیتون" و "وارنر" نیز، هیدروژمونی را برتری در حوضه یک رودخانه می‌دانند که از طریق راهبرد کنترل منابع آب ایجاد می‌شوند. این استراتژی از راه تاکتیک‌هایی مانند تهدید و فشار، بستن قراردادها و ساخت و ساز تأسیسات زیربنایی اجرا شده و با توجه به ضعف نهادهای بین‌المللی، کشور قوی‌تر را قادر به استفاده از آب بیشتری می‌سازد. استنباطی که از این تعریف می‌شود این است که، سدها به عنوان تأسیسات زیربنایی، افزون بر مزایای فیزیکی و اقتصادی، ایزاری هیدروپلیتیک به شمار می‌روند که از توانایی تغییر ساختار هیدروژمونی و مناسبات هیدروپلیتیک در یک مجموعه هیدروپلیتیک برخوردارند (رشیدی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۷).

^۱ www.unwater.org/water-facts/transboundary-waters.



رابطه دوسویه آب و قدرت از دیدگاه بازیگران فرادست- فرودست حوضه رودهای بین‌المللی

متغیرهای که مسلماً در رابطه با کوشش‌ها و کشمکش‌های داخلی (فروملی) مرتبط با آب، نیز موثراند. با این تفاوت که در رقابت‌های فروملی میان بازیگران و واحدهای سیاسی- فضایی، برخلاف گفته وارنر، کوشش‌ها و کشمکش‌های بازیگران هر دوسویه (فرادستی- فرودستی) حوضه رودخانه، برای دستیابی به سهمی مطلوب از منابع آب است. در این باره، در سطح فروملی، قدرت اقتصادی؛ می‌تواند میزان تخصیص منابع ملی یا سرمایه‌گذاری‌های خصوصی جهت داده شده از سوی حکومت مرکزی به هر یک از واحدهای سیاسی- فضایی واقع در کرانه رودخانه باشد. منابعی که نه متناسب با نیازها و ظرفیت‌های طبیعی یک منطقه، بلکه براساس اهداف و منافع ملی تشخیصی حکومت مرکزی است. بدین ترتیب مرکز تشخیص می‌دهد که براساس منافع ملی، منابع بیشتری از بودجه کشور را صرف احداث زیرساخت‌های آبی (همچون سد و کانال) در یک منطقه نماید. به طور مثال با اینکه سرچشمه‌های اصلی رودهای دز و کرخه در استان‌های همچون لرستان، کرمانشاه، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد است، اما با سرمایه‌گذاری دولت مرکزی در بخش سدسازی استان خوزستان، حجم اصلی منابع آب این رودها در این استان مهار می‌گردد. قدرت سیاسی؛ توان و نفوذ نمایندگان، شخصیت‌ها و مسئولان سیاسی محلی در تصمیم‌گیری‌های حکومت مرکزی و ساختارهای ملی همچون مجلس است، که متناسب با ارزش سیاسی- اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و ... مرکز برای یک منطقه، قابل توجیه است. بطور مثال ارزش ویژه شهر قم به لحاظ مذهبی- فرهنگی برای مردم و مرکز، در توان و نفوذ شخصیت‌های محلی این منطقه در سطح ملی تاثیرگذار است. ماجرای انتقال آب الیگودرز به استان قم، که بزرگترین پروژه انتقال آب در طول تاریخ ایران می‌باشد، شاید بهترین نمونه از این دست باشد. قدرت دیپلماسی؛ توان چانه‌زنی و لابی‌گری، مسئولان محلی در ساختارهای ملی است. که البته به واسطه قدرت تبلیغاتی و رسانه‌های محلی در سطح ملی قابل تقویت است. قدرت امنیتی و نظامی نیز میزان حساسیت دولت مرکزی نسبت به امنیت برخی مناطق از کشور است، که با سابقه ناآرامی و آشوب، مضائق می‌گردد. به طور مثال، زندگی بغرنج در

۱. مراجعه شود به: <http://yafteneews.ir/notes/economic/4917-water-qom.html>

برخی مناطق سیستان و بلوچستان، موضوعی است که با کمبود منابع آبی در این استان بی‌ارتباط نبوده، هر لحظه ممکن است به مشکلی نظامی و امنیتی مبدل گردد.

بدین ترتیب، هرچند آمار دقیقی از تعداد رودهای کوچک و بزرگ مشترک داخلی وجود ندارد که با عبور از روستاها، شهرها و ایالات؛ مرزهای گروه‌ها و جوامع مختلف مردمی، در کشورها را در می‌نوردند. اما با توجه به تعدد بسیار زیاد رودهای داخلی، تردیدی نیست که بیشتر تنش‌های مرتبط با آب، در قیاس با اختلافات بین‌المللی، در درون کشورها رخ می‌دهند. به شکلی که در برخی کشورها، توسعه‌نیافتگی و عدم مدیریت صحیح^۱ در تخصیص این منبع حیاتی، ممکن است موجبات نزاع و تنش‌های اجتماعی و سیاسی بین این جوامع و گروه‌ها یا واحدهای سیاسی - فضایی را فراهم آورد. تحولاتی که نمونه‌هایی از آن را در سال‌های اخیر می‌توان در ایران و در مناطقی همچون خوزستان، اصفهان، یزد و ... به وضوح دید (رشیدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱). در این باره، به گفته «ابتکار»، رئیس وقت سازمان محیط‌زیست «در صورت تداوم بحران آب تا ۲۵ سال آینده، حدود ۵۰ میلیون نفر در ایران مجبور به مهاجرت خواهند شد و بویژه شرق و جنوب شرق کشور در عمل خالی از سکنه خواهد شد» (حاتمی و نوربخش، ۱۳۹۸: ۱۲۴). چرا که ایران با وجود داشتن حدود ۱/۲ درصد از سطح خشکی‌ها و ۱ درصد جمعیت جهان، تنها ۰/۳۶ درصد از بارش‌های سالانه زمین را دریافت می‌نماید. در دهه ۱۳۳۰، متوسط سرانه آب کشور برای هر نفر، بیش از ۸۰۰۰ مترمکعب در سال بود. اما اکنون که جمعیت کشور از مرز ۸۰ میلیون نفر عبور کرده، سرانه آب کشور به آستانه بحران، یعنی کمتر از ۱۷۰۰ مترمکعب نزدیک شده است (زینتی و عسگری، ۱۴۰۰: ۵). در سطح جهانی نیز مطابق گفته، «ممد بارلو» مشاور ارشد سازمان ملل در منابع آبی؛ بولیوی، آفریقای جنوبی، هند، بوتسوانا، مکزیک و حتی بخش‌هایی از ایالات متحده، شاهد تظاهرات بزرگ در مورد موضوعات مربوط به منابع آبی بوده‌اند. به گفته وی، درگیری بر سر خصوصی‌سازی آب در بولیوی، به نوعی جنگ بر سر آب تبدیل شده و ارتش ناچاراً اقدام به مداخله نموده است (رستمی و نادری، ۱۳۹۲: ۱۸۰). تنش‌هایی که اغلب نه ریشه در کمبود منابع، بلکه ریشه در بی‌عدالتی درک شده در توزیع منابع آبی دارد. با این تفاسیر، در حالی که بعید است کمبود آب به خودی خود باعث ایجاد تعارض گردد، تنش بر سر دسترسی نابرابر به منابع آب، ممکن است به عنوان یکی از مجموعه عواملی که منجر به درگیری شوند، عمل نماید (Gleick, 2008: 9).

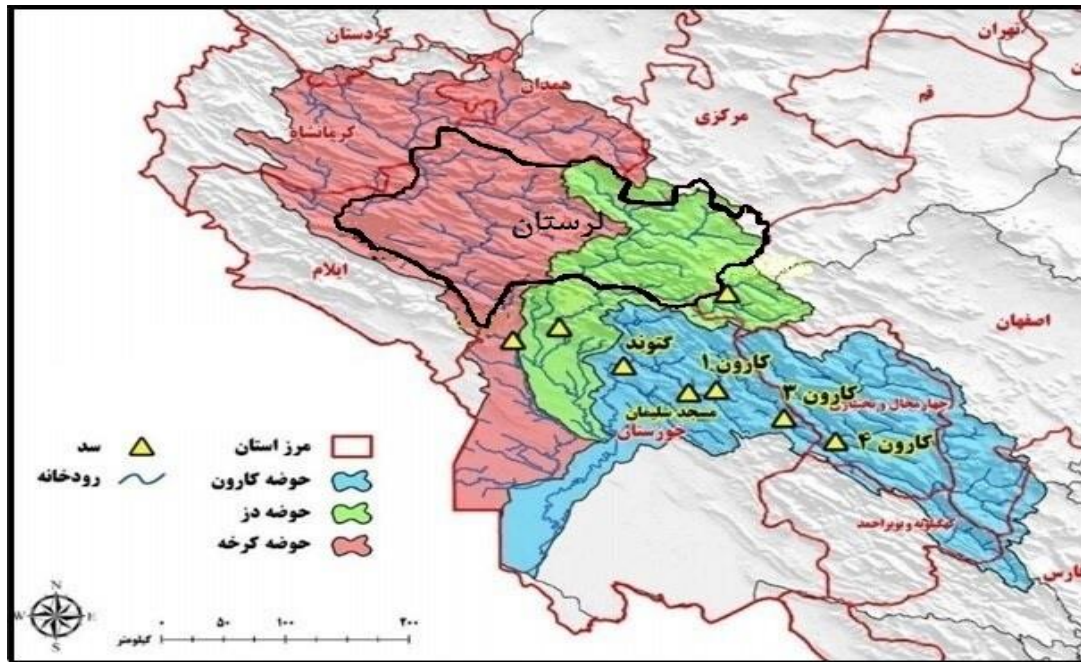
۱. برای مثال، اگر چه بیابان و شرایط خشک و نیمه‌خشک ویژگی اصلی مناطق شمالی و مرکزی کشور «مالی» در آفریقا است. اما منابع آبی فراوان در جنوب آن وجود دارد. به طوری که، حجم سرانه ۱۰/۰۰۰ مترمکعب برای هر مالیایی، رقم قابل توجهی محسوب می‌گردد. مشکل اصلی، توزیع نامناسب این میزان آب، در فضای جغرافیایی این کشور است. تا آنجا که، تنها ۰/۲ درصد از منابع آبی این کشور مورد بهره‌برداری است. مثالی واضح از جایی که توسعه‌نیافتگی و عدم مدیریت صحیح (به ویژه در بخش زیرساخت‌های آبی) مانع از آن می‌شود، تا نسبت‌های بالاتری از مردم به منابع آبی کافی، دسترسی یابند (Gleick, 2008).

روش شناسی

مقاله حاضر ماهیتی توصیفی - تحلیلی داشته و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای (کتب، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است. بر این اساس پژوهش ضمن بررسی پروسه ساخت سد تنگ گاوشمار، با مطالعه دیدگاهها و جهت‌گیری‌های مردم و مسئولین محلی در این خصوص (از طریق رصد جراید و رسانه‌ها)، بر آن است به این پرسش، پاسخ دهد که؛ ادامه روند ساخت سد تنگ گاوشمار با چه مشکلی مواجه شده است؟ در واقع هدف پژوهش، تحلیل چرایی عدم ساخت سد تنگ گاوشمار در قالب مفهوم «هیدروهمژمونی فروملی»، بین واحدهای سیاسی - فضایی حوضه رودخانه کشکان است. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل فقر مطالعاتی در زمینه مسائل هیدروپلیتیک در پهنه استان لرستان، بخشی از پژوهش بر محور منابع و مطالب رسانه‌ای صورت پذیرفته است. با این امید که این پژوهش بتواند بستری را برای مطالعات مشابه آتی فراهم آورد.

حوضه رودخانه کشکان

رودخانه‌ی کشکان یکی از زیرشاخه‌های مهم و پرآب رودخانه‌ی کرخه است، که در تقسیم‌بندی کلی هیدرولوژی ایران، جزئی از حوضه آبریز خلیج فارس محسوب می‌گردد (شایان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۳). این حوضه با پوشش حدود یک سوم از مساحت لرستان، آب‌های منطقه‌ی وسیعی از این استان را جمع‌آوری می‌کند. طول رودخانه‌ی کشکان حدود ۲۷۰ کیلومتر و مساحت حوضه‌ی آبریز آن در بالادست ایستگاه کشکان - پلدختر حدود ۹۴۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد (حقی‌آبی و امامقلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۵). بر اساس آمار اداره مطالعات شرکت آب منطقه‌ای لرستان، میانگین آبدهی بلندمدت (۶۰ ساله) رودخانه کشکان در محل ایستگاه آب‌سنجی پلدختر واقع در ورودی شهر پلدختر، سالیانه معادل $1/636$ میلیون مترمکعب است. کشکان در بالادست دارای دو شاخه است. یکی شاخه رودخانه «خرم‌آباد» که از پیوستن شاخه‌های فرعی کاکاشرف، شوراب، معمولان، چولهول و مادیان‌رود، با آبدهی حدود $1/050$ میلیون مترمکعب تشکیل شده است. دوم رودخانه «کشکان»، که از تلاقی رودخانه‌های «کاکارضا» و «دوآب» الشتر شکل گرفته است. شاخه دوم با عبور از تنگ گاوشمار واقع در شهرستان نورآباد، در جنوب خرم‌آباد در منطقه «ویسیان»، با رودخانه خرم‌آباد تلاقی می‌کند. کل آبدهی این شاخه حدود ۵۸۶ میلیون مترمکعب است، که قرار است سد گاوشمار (معشوره) بر روی همین شاخه احداث گردد.



محدوده حوضه‌های دز و کرخه در استان لرستان (ایران آنلاین، ۱۳۹۸/۸/۷)^۱

پروژه سد تنگ گاوشمار (معشوره)

محل احداث سد، حدود یک کیلومتر پایین‌تر از محل تلاقی دو شاخه تشکیل‌دهنده رودخانه کشکان، یعنی «کاکارضا» و «چم زکریا»، است، که در محل تنگه باستانی «گاوشمار»، در نزدیکی روستای گنج دره (دهستان میربگ جنوبی) از توابع شهرستان دلفان قرار دارد. این نام که عنوان رایج و مورد استفاده مردم منطقه است، برگرفته از دو کلمه‌ی «گاو» و «شمار» است، که در زبان محلی «گاشمار» تلفظ می‌گردد. بدین ترتیب با اینکه به طوری رسمی معشوره عنوان ثبت شده در اسناد مربوط به وزارت نیرو و دیگر ارگان‌های مربوطه است، لیکن برای ساکنین منطقه، معشوره نامی ناآشنا تلقی می‌گردد. فاصله این محل از شهرهای دلفان، کوه‌دشت و

www.ion.ir/news/511596/

^۱ مطابق بررسی‌های تاریخی این محل بخشی از راه معروف شاهی دوره هخامنشی است که غرب را به جنوب و بین‌النهرین متصل می‌کرده است.

^۲ طبق گفته‌ی ساکنان منطقه، فلسفه‌ی نام گذاری بدین علت است که چون این راه باریک از داخل تنگه می‌گذشته است، عبور گاوها از آن فقط به صورت تکی میسر بوده است؛ بنابراین مکانی برای شمارش گله‌های گاو تلقی می‌شده است.

^۳ ظاهراً در جریان مطالعات سد، عده‌ای از کارشناسان که از مرکز به منطقه دلفان مراجعه می‌کنند، جویای نام منطقه از ساکنین محل می‌شوند، که بومیان آن منطقه در پاسخ این گونه بیان می‌دارند: «که این منطقه از قدیم‌الایام به گاوشمار مشهور بوده». کارشناسان اعزامی از تهران چون کسی نبوده است که آنان را توجیه نماید، به اشتباه نام معشوره را فهم نموده و آنرا در مطالعات سد و مناسبات اداری بکار می‌گیرند. این مسئله تا آنجا پیش رفته است که در دلجویی از مردم دلفان، امام جمعه این شهرستان،

خرم‌آباد، به ترتیب ۴۰، ۴۵ و ۹۰ کیلومتر، و مختصات جغرافیایی آن $47^{\circ} 50'$ طول شرقی و $28^{\circ} 48'$ عرض شمالی است.



تنگه باستانی گاوشمار (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳/۱۰/۲۹)

مطالعات پیش توجیهی این طرح در سال ۱۳۸۱ با هدف صرفاً برقابی و حجم مخزنی حدود ۱,۷ میلیارد مترمکعب پیشنهاد گردید. در سفر استانی هیات دولت به استان لرستان در سال ۱۳۸۴، تغییر اهداف طرح (تخصیص آب مورد نیاز شرب و کشاورزی و صنعت شهرستان کوهدشت به میزان ۲۷۳ میلیون مترمکعب، با هدف ایجاد اشتغال، محرومیت‌زدائی و کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم شهرستان و به تبع آن کاهش ۵۰ درصدی سهم تولید انرژی برقابی و مد نظر قرارداد حقابه محیط زیست و تغذیه آبخوان‌های زیرزمینی پایین دست سد) مصوب شد. متعاقب این تصمیم مطالعات توجیهی طی سال‌های ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۸۹ با هدف تخصیص ۲۵۰ میلیون مترمکعب در سال برای اراضی کشاورزی شهرستان کوهدشت، تأمین نیاز شرب کوهدشت به میزان ۱۷ میلیون مترمکعب و صنعت شهرستان کوهدشت به میزان ۶ میلیون مترمکعب در سال با اولویت اول و تولید انرژی سالانه ۲۰۰ گیگاوات ساعت با اولویت دوم در دستور کار قرار گرفته و حجم مخزنی حدود ۹۰۰ میلیون مترمکعب پیشنهاد گردید.

ضمن انتقاد از عملکرد مسئولین در این رابطه خواهان بررسی موضوع شده، «از مسئولین صدا و سیما و سایر رسانه‌ها می‌خواهد تا نسبت به تصحیح نام محل و حوضه جغرافیایی آن اقدام کنند، تا موجب رنجش و نارضایتی مردم شهرستان دلفان نشوند».

www.irna.ir/news/81469915 .

در شورای عالی آب: «سد گاوشار از نظر مقررات قانونی هیچ گونه کمبودی نداشته و علاوه بر تخصیص آب، مجوز کمیسیون ماده ۲۱۵ را اخذ کرده و سد از نظر فنی، اقتصادی و زیست محیطی تایید شده است. در حال حاضر به گفته «میرزایی» مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای لرستان این سد روی کاغذ ۱۳۰ میلیون مترمکعب تخصیص آب دارد. مطلبی که پیشتر «بازوند» استاندار سابق لرستان، در جلسه ستاد اقتصاد مقاومتی لرستان در دلفان، با حضور وزیر کشور، بر آن صحنه گذاشته است. وی با بیان اینکه «حجم ذخیره آب این سد به میزان ۱۳۵ میلیون مترمکعب به توافق رسیده است، عنوان می‌کند که البته نظر وزارت نیرو ۵۰ میلیون مترمکعب است. استاندار لرستان با تاکید بر اینکه معاون اجرایی رئیس‌جمهور سد تنگ [گاوشار] را به رئیس‌جمهور ارجاع داده است، می‌افزاید: رئیس‌جمهور نیز پیشنهاد دادند که یا این سد با حجم ۱۳۵ میلیون مترمکعب اجرا شود و یا اینکه به شورای عالی آب برای بررسی مجدد ارجاع شود». چیزی حدود یک دوازدهم دبی بلندمدت رودخانه کشکان! لازم به ذکر است که مطابق گفته میرزایی مدیر کل آب منطقه‌ای لرستان دبی رودخانه کشکان نزدیک به ۱/۶۳۶ میلیون مترمکعب در سال است، که طبق روال طبیعی و در فصول مختلف در بستر رودخانه جریان دارد. میرزایی همچنین با ذکر اینکه «سد تنگ [گاوشار] بر اساس بخش کوچکی از سیلاب‌های فصل زمستان و بهار و نه براساس دبی پایه رودخانه کشکان طراحی خواهد شد»، عنوان می‌کند که: «سد برای کنترل و مدیریت بخش کوچکی از سیلاب‌های کشکان در فصل‌های زمستان و بهار که در مدت چند ساعت از حوضه لرستان خارج می‌شود، احداث خواهد شد و تاثیری منفی بر روی دبی پایه رودخانه و حق آبه زیست محیطی و حق آبه‌های پایین دست ندارد». این در شرایطی است که به گفته «حسنی مقدم» رییس سازمان جهادکشاورزی لرستان: «حجم آب پشت سدهای کشور حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب و در لرستان تنها ۲۰۰ میلیون مترمکعب است. که با سدهای در دست ساخت به بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب نیز نمی‌رسد». به عبارتی، تنها نیم درصد از سدهای کشور در استان لرستان قرار دارد، متوسط زمین‌های آبی استان نیز ۲۳ درصد است در حالیکه که این رقم در کشور به ۶۶ درصد می‌رسد» (شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان).

رقابت بر بستر رودخانه کشکان

موافقان با احداث سد در بالادست

امروزه وضعیت بارش‌های جوی از یک طرف و از سوی دیگر بهره‌برداری‌های بی‌رویه، طی چند دهه مدیریت ضعیف منابع آب، بحران آب در ایران را به مرحله‌ای رسانده است که می‌توان در اغلب استان‌های کشور حداقل به دو یا چند منطقه بحرانی از نظر وضعیت منابع آبی اشاره نمود. در استان لرستان نیز دشت کوه‌دشت، دشت رومشکان و شهرستان پلدختر را می‌توان به عنوان نقاطی در نظر گرفت که زنگ خطر تهی شدن منابع آبی در آنها به صدا درآمده است. شهرستان کوه‌دشت به عنوان منطقه بالادست حوضه مورد مطالعه این پژوهش، یکی از دو دشت وسیع واقع در استان لرستان است که مساحت اراضی کشاورزی در آن حدود ۲۰۰ هزار هکتار است. چیزی معادل ۲۵ درصد از کل اراضی زراعی استان (رحیمیان، ۱۳۹۵: ۲۳۵)، که تنها سه یا چهار درصد

از این اراضی به صورت آبی زیر کشت است. منطقه‌ای با اقلیم مدیترانه‌ای، تابستان‌های خشک و زمستان‌های مرطوب که از نظر تامین آب، کاملاً متکی به منابع آب زیرزمینی است. این در حالی است که باتوجه به آمار بلندمدت ارائه شده از سوی مدیر امور آب شهرستان کوهدشت تنش آبی طی ۳۰ سال گذشته منجر به افت ۲۲/۵ متری آب‌های زیرزمینی در این شهرستان شده است (بیرانوندی و جهدی، ۱۳۹۹: ۴۳۳).

در این شهرستان ۹۲۲ حلقه چاه عمیق مجوز برداشت ۱۵۹ میلیون مترمکعب حق برداشت آب را دارند. که فقط با وجود برداشت یک سوم از این مقدار طی چند سال گذشته، سطح ایستایی سفره‌های آب زیرزمینی حدود [۲۲/۵] متر پایین رفته و بیش از ۶۹ حلقه چاه آب خشک و از مدار خارج شده است. با این اوصاف کارشناسان بر این باورند که بالغ بر ۸۵ درصد از منابع آبی این شهرستان مورد استفاده قرار گرفته است، که بر طبق شاخص‌های بین‌المللی این به معنای این است که این شهرستان در وضعیت تنش شدید آبی قرار دارد (رحیمیان، ۱۳۹۵: ۲۳۵). در این خصوص، بنابر اظهارات «میرزایی» مدیرعامل وقت شرکت آب منطقه‌ای لرستان: «بیشترین کاهش سطح منابع آب زیرزمینی در استان لرستان در بلندمدت مربوط به دشت‌های کوهدشت و رومشکان، به ترتیب با ۵/۲۲ و ۸ متر می‌باشد». کسری مخزن سفره آب زیرزمینی دشت کوهدشت در این مدت ۱۶۴ میلیون مترمکعب و دشت رومشکان ۲۴ میلیون مترمکعب می‌باشد، کاهش منابع آب زیرزمینی در این مناطق به اندازه‌ای بوده که موجب ممنوعه شدن این دو دشت شده است. در این خصوص، بنابر اظهار میرزایی مدیرعامل وقت شرکت آب منطقه‌ای لرستان؛ براساس اندازه‌گیری تغییرات سطح و حجم منابع آب زیرزمینی در محدوده‌های مطالعاتی استان لرستان در طی ۱۰ سال گذشته تاکنون، به ازای هر سال سطح آب‌های زیرزمینی حدود ۴۰ سانتی‌متر و حجم آب‌ها در هر سال حدود ۴۰ میلیون مترمکعب کاهش یافته است. به طوری که در طی ۱۰ سال گذشته تاکنون در مجموع سطح آب‌های زیرزمینی آبخوان‌های آبرفتی حدود ۴ متر و حجم آب آبخوان‌ها حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب کاهش داشته است (شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان).^۱ همچنین به گفته «کرم‌نژاد»، مدیرعامل وقت شرکت آب و فاضلاب شهری استان لرستان، در شهرستان کوهدشت برای ایجاد چاه باید ۳۲۰ متر حفاری انجام شود تا به آب رسید، در حالی که در سال‌های گذشته چاه در فاصله ۱۰۰ متر حفاری شده، که ۶۰ متر از آن آب قرار داشت. بنابر گفته مدیر آبفای شهرستان کوهدشت نیز از منابع تامین آب این شهرستان در سال‌های اخیر ۷۴ چاه یا چشمه با کاهش آب‌دهی یا خشکی کامل روبه‌رو شده‌اند. به گفته سعید «کرم‌نژاد»، از این تعداد ۲۷ مورد (حلقه-دهنه) به دلیل کاهش شدید یا ریزش از مدار خارج شده، ۲۸ چاه با کاهش آب‌دهی (۲۰ تا ۸۰ درصدی) روبه‌رو شده و در حال حاضر منابع تامین آب روستاهای شهرستان کوهدشت ۵۴ حلقه چاه، ۶ دهانه چشمه و تعدادی هم ایستگاه غیر تحت پوشش می‌باشد. آن‌طور که این مسئول می‌گوید در شهرستان کوهدشت تعداد ۳۶ روستا که شامل ۱۰۳۵ خانوار است با کمبود آب مواجه هستند، این در حالی است که طی ۶ سال ۸۲ مورد حفر چاه، لایروبی و به‌سازی چشمه انجام شده و تا حدود زیادی از

^۱. تمامی رویدادها، اظهارنظرات و موضع‌گیرهای مربوط به سد تنگ گاوشمار، برگرفته از سایت «شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان»، است، که با جستجو در بخش اخبار، قابل دسترسی است.

بروز بحران در این شهرستان پیشگیری شده است. به گفته او شهرستان کوهدشت، دارای ۴ بخش و ۱۰ دهستان، ۲۷۴ روستا و ۱۷ هزار و ۴۱ خانوار است که براساس سرشماری سال ۹۵ روستاهای آبدار ۲۱۶، روستاهای بالای ۲۰ خانوار ۱۶۹ روستا، روستاهای آبدار بالای ۲۰ خانوار ۱۶۶ روستا است که ۷۹ درصد کل روستاها آبدار و ۹۸ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار آبدار هستند. آن طور که کرم نژاد می گوید تعداد روستاهایی که در شهرستان کوهدشت با تانکر آب رسانی می شوند، ۱۷ روستا است که با جمعیتی بالغ بر ۲۶۳۰ نفر در این روستاها سکونت دارند و در فصل تابستان با مشکل آب رسانی رو به رو می شوند. بر این اساس «اصلائی» معاون عمرانی استانداری لرستان در سخنانی با بیان اینکه «تنها راه حل رفع مشکل کمبود آب در شهر کوهدشت احداث سد معشوره است» تاکید دارد که: «راه حل اساسی و درازمدت در این زمینه حفر چاه نیست. بلکه باید اقدامات و پیگیری های لازم در وزارت نیرو برای احداث سد معشوره صورت گیرد». این در حالی است که مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی لرستان پیش از این گفته بود: «عمده روستاهایی که در استان با تانکر آب رسانی مربوط به شهرستان کوهدشت است». وی با بیان اینکه «وضعیت ذخیره آب استان و استفاده از منابع آبی سطحی آن مناسب نیست، عنوان می کند که ۱۰۰ درصد منابع تأمین آب شرب روستاها و شهرهای استان به جزء شهر الیگودرز از محل منابع زیرزمینی است». در چنین فضایی، تعطیلی سد تنگ گاوشمار سال هاست که از اصلی ترین دغدغه های مردم و مسئولین محلی محسوب می گردد. به طوری که مردم کوهدشت بیکار ننشسته، با اعتراضات گسترده تلاش کرده اند صدای خود را از طریق نماینده این شهرستان در مجلس به گوش مسئولان برسانند». در این خصوص بنابه گفته «شاهرخی قبادی» نماینده اسبق کوهدشت: «مردم کوهدشت و کشاورزان که ذی نفع واقعی این مسئله هستند، پیش تر قصد تظاهراتی در این راستا را داشتند که به فرمانداری وقت مراجعه و درخواست مجوز می نمایند. فرمانداری نیز درصدد منصرف کردنشان بر می آید، ولی مردم منصرف نشده و در نهایت نیز تجمع برگزار می شود». اعتراضی که سالها است به انحاء مختلف، بواسطه نمایندگان و مسئولین محلی در سطح استانی و ملی نیز دنبال شده است. در این باره، «فردی بیرانوند» فرماندار وقت کوهدشت در جلسه شورای اداری این شهرستان، زندگی در این بخش را صرفاً بر پایه کشاورزی دانسته، بیان می کند که: «بیش از ۹۰ درصد از اراضی این بخش دیم و به صورت سنتی کشت می شود و این امر جوابگوی معیشت مردم نیست». وی نجات مردم شهرستان کوهدشت و بخش طرهان را در احداث سد معشوره می داند. آیت الله سید احمد میرعمادی نماینده ولی فقیه در لرستان نیز در جلسه شورای اداری شهرستان کوهدشت سد معشوره را پروژه ای حیاتی برای استان دانسته، متذکر می شود که: «چرا باید آب رودخانه سیمره بدون استفاده از استان خارج شود؟» در این باره در جلسه دیدار اعضای مجمع نمایندگان، استاندار و نماینده ولی فقیه در استان لرستان، با «جهانگیری» معاون اول رئیس جمهور (بهمن ۹۹)، «مبلغی» نماینده مردم کوهدشت و رومشکان با ذکر این مطلب که «اولین و ضروری ترین نیاز ما تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی است»، اظهار می دارد که: «انصاف نیست شهرستان های کوهدشت و رومشکان که میان دو رود بزرگ کشکان و سیمره قرار گرفته، از تشنگی رنج ببرند». «مبلغی» در اسفندماه نیز ضمن انتقاد از عملکرد وزارت نیرو در چند سال گذشته در محروم کردن مردم

لرستان و بویژه مردم کوهدشت و رومشکان از نعمت آب سد معشوره، توضیحات «اردکانیان» وزیر نیرو را نسبت به تخصیص ۱۳۰ میلیون مترمکعب برای سد معشوره را نپذیرفته و خواستار دستور بررسی مجدد نسبت به تخصیص آب معشوره و افزایش تخصیص مذکور می‌شود. وی با رد استدلال وزارت نیرو در چند سال گذشته و پیش از جریان یافتن سیل ۹۸ مبنی بر کم بودن آب و عدم نیاز به احداث سد معشوره، بیان می‌کند: «سیل ۹۸ ثابت کرد که نظر وزارت نیرو در رابطه با عدم نیاز به سد معشوره و کاهش تخصیص آن تا سقف ۵۰ میلیون مترمکعب کاملاً اشتباه است» (خبر مجلس، ۱۳۹۷). وی محرومیت و فقر موجود را ناشی از عدم توجه مسئولان وزارت نیرو به این مردم دانسته، تبعیض میان مردم استان‌های مختلف را در بهره‌مندی و تخصیص آب، ظالمانه و خارج از دین، انصاف و حقوق انسانی ذکر می‌کند. ملکشاهی نماینده فقید مردم کوهدشت نیز با تاکید مکرر بر این موضوع، در تذکری به «حجتی» وزیر کشاورزی با اشاره به اینکه «به خاطر متوقف شدن سد معشوره در زمان «چیت‌چیان» از وی در دادگستری رسماً اعلام شکایت کردیم». متذکر می‌شود که: «از کاهش یک مترمکعب از تخصیص آب استان لرستان و سد معشوره نخواهیم گذشت». وی حتی گفته بود که: «اگر وزیر نیرو در روند احداث سد معشوره اخلاص ایجاد کند، خائن به لرستان است» (شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان).

مخالفت با احداث سد در پایین‌دست

عملیات اجرایی سد معشوره در چهارم خرداد ۹۲ با سفر رئیس‌جمهور وقت به استان لرستان کلنگ‌زنی شد تا مردم این دیار در رؤیای بهره‌برداری از این سد و آبی شدن اراضی کشاورزی خود روزگار به سر برند. تا اینکه دولت تغییر کرد و وزیر نیروی دولت یازدهم با استناد به مفاد قانونی و به دلیل نداشتن ماده ۲۱۵ احداث این سد را غیرکارشناسی اعلام کرد. در واقع، احداث این سد چندین معارض جدی داشت که پای احداث نشدنش نشسته و بر خواسته خود پافشاری می‌کنند که احداث این سد خطری جدی برای اراضی پایین‌دست که شهرستان پلدختر و بخشی از استان خوزستان است، محسوب می‌شود. آن‌سوی ماجرا نمایندگان پلدختر و نمایندگان استان خوزستان معشوره را تهدیدی در کم‌آبی مضاعف پلدختر، اندیمشک، شوش و دشت آزادگان و کم‌آبی رودخانه‌ی کرخه دانسته و برای اثبات اعتراض خود دعوی خانگی را به مجامع ملی همچون مجلس و وزارت نیرو کشانده‌اند. در این راستا، «کاظمی» نماینده مردم پلدختر در مجلس شورای اسلامی از مخالفان جدی ساخته‌شدن معشوره است، تا پس از «کاییدی» نماینده قبلی این شهرستان صراحتاً اعلام کند که: «بیم آن را داریم، همان‌طور که ساخت آزاد راه «خرم‌زال» سبب تعطیلی شغل چند هزار پلدختری شد، ساخت سد معشوره نیز سبب خشک شدن اراضی کشاورزی پایین‌دست شود». وی با اشاره به موضوع رودخانه کشکان و اینکه شغل اکثر مردم حوزه انتخابیه‌اش کشاورزی از طریق این رودخانه است، تاکید می‌کند که: به عنوان نماینده مردم پلدختر و معمولان در مجلس شورای اسلامی اجازه برداشت حتی یک قطره از آب این رودخانه حیاتی

را نخواهم داد... من در برابر این طرح همراه و همگام با مردم پلدختر می‌ایستم و با این موضوع کاملاً مخالفم». وی که بارها مخالفت خود را با احداث این سد اعلام کرده است، در آبان‌ماه ۹۵ در جمع خبرنگاران با ذکر این مطلب که: «در ملاقاتی که با دکتر جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر نیرو داشته‌ام مراتب نگرانی مردم حوزه انتخابیه‌ام را در رابطه با احداث سدی به نام معشوره روی رودخانه کشکان رسانده‌ام»، نشان می‌دهد که عملاً در سطح ملی نیز پیگیر این ماجرا است. همراه با این پیگیری‌ها، برخی از مردم پلدختر که با احداث سد مخالف هستند، بارها اعتراض خود را نسبت به احداث این سد ابراز داشته‌اند. در بهمن‌ماه ۹۶ «چیت‌چیان» وزیر وقت نیرو که جهت بهره‌برداری از یک ایستگاهی برقی، عازم شهرستان پلدختر شده است، با تجمع مردم در مقابل محل افتتاح پروژه مذکور مواجه می‌شود. «آزادپور» که یکی از تجمع‌کنندگان است، می‌گوید: «تجمع امروز ما بخاطر اعتراض به خشک شدن رودخانه کشکان نماد لرستان است. زندگی بیشتر مردم شهرستان پلدختر کشاورزی است که خشک شدن کشکان مرگ مردم این دیار را در پی دارد». از نظر وی: «اگر رودخانه کشکان خشک شود کشاورزی از بین می‌رود و چندین هزار خانوار بیکار خواهند شد. زیرا این شهرستان نه کارخانه و نه هیچگونه صنعتی ندارد». «حسینی» کشاورز دیگر پلدختری: علت تجمع را: «خشک شدن رودخانه کشکان و تلف شدن ماهی‌ها و نبود آب برای آبیاری کشاورزان می‌داند که این امر موجب خشک شدن زمین‌های کشاورزی شده است». به گفته «ولی‌زاده» معترض دیگر: «۸۰ درصد مردم شهرستان پلدختر کشاورز هستند که با خشک شدن کشکان کشاورزی منطقه تعطیل و شهرستان از سکنه خالی خواهد شد». از نظر وی: «اگر شهرستان بالا دست (کوه‌دشت) آب رودخانه را جهت مصارف کشاورزی خود ببرد کشاورزی شهرستان پلدختر با توجه به زمین‌های کشاورزی و باغات زیاد از بین خواهد رفت». در کش و قوس اختلافات درون استانی در راستای احداث سد معشوره، مجمع نمایندگان استان خوزستان نیز رسماً به رئیس‌جمهور و به شورای عالی امنیت ملی نامه فرستاده، مخالف خود را با ساخته شدن سد معشوره اعلام می‌دارد. در این خصوص رئیس پیشین مجمع نمایندگان استان خوزستان ضمن تایید این موضوع، عنوان می‌کند که: «نمایندگان استان خوزستان اعتراض خود را نسبت به احداث سد در حال ساخت معشوره در کوه‌دشت، به رئیس‌جمهوری اعلام کرده‌اند». بنابر گفته «دارایی»، در این رابطه گزارشی کارشناسی هم تهیه شده و به دیگر مسئولان کشور ارائه می‌گردد. وی ادامه می‌دهد: «که در این گزارش مشکلاتی را که این سد برای رودخانه‌های کرخه، پلدختر، اندیمشک، شوش و دشت آزادگان ایجاد می‌کند را مستدل مطرح کرده‌ایم، چرا که با احداث این سد و انتقال آب از سرشاخه‌های رود «دز»، این مناطق دچار کم‌آبی مضاعف می‌شوند». در ادامه مخالفت‌ها، بنا به اظهارات «حسینی» رئیس فعلی مجمع نمایندگان خوزستان: «همه جلسات، اقدامات و پیگیری‌های وزارت نیرو در بحث انتقال آب، رصد و پیگیری شده و احیاناً اگر تصمیمی به ضرر خوزستان اتخاذ شود، با آن مقابله خواهد شد». «صالحی‌نسب» نماینده مردم دشت آزادگان نیز که از دیگر مخالفان احداث سد است، تاکید دارد: «که اگر در حوضه آبی کرخه مشکل تامین آب وجود دارد، چرا وزارت نیرو در صدد احداث سد معشوره است. وزارت نیرو باید با توجه به مشکلات تامین آب و محدودیت منابع آبی در ساخت این سد تجدیدنظر کند». وی خاطر نشان می‌کند: «در

شرایطی که خوزستان آب ندارد و کشاورزان نمی‌توانند کل اراضی خود را کشت کنند، لزومی ندارد که در این حوضه سدی ساخته شود». «راضی» نماینده مردم شوش نیز که هم عقیده با دیگر نمایندگان استان خوزستان است، با تهدید وزیر نیرو به استیضاح، تاکید می‌کند که: «اگر روند ساخت سد معشوره بر روی رودخانه کرخه ادامه پیدا کند، شهرستان‌های شوش، دشت‌آزادگان، پلدختر و ... با مشکلات فراوانی در بحث آب مواجه خواهند شد و در این زمینه نمایندگان استان خوزستان خواهان تعطیلی این عملیات بر روی رودخانه کرخه هستند». وی با بیان اینکه: «مجمع نمایندگان استان با وزیر نیرو دشمنی ندارد»، می‌گوید: «اگر کمیته حقیقت‌یاب به درستی در این زمینه اقدام کند و در بحث انتقال آب کار کارشناسی انجام شود، قطعاً نمایندگان نیز در خصوص استیضاح وزیر نیرو اقدام نخواهند کرد». بدین ترتیب، احداث سد معشوره سال‌ها در هاله‌ای از ابهام فرو رفته، آینده قابل‌تصور را نمی‌توان برای آن، متصور شد (شرکت منطقه‌ای آب لرستان).

بحث و نتیجه‌گیری

اختلاف بر سر نحوه تخصیص آب رودهای مشترک که تا اندازه‌ای برخاسته از نقص قوانین در این خصوص می‌باشد، با نبود تقارن قدرت میان اعضای این حوضه‌ها، لاینحل‌تر می‌نماید. در سطح بین‌المللی استنباط غالب بر این است که اگر واحد سیاسی بالادست قوی‌تر از واحد سیاسی پایین‌دست باشد، رسیدن به توافق دشوارتر است. زیرا نگاه واحدهای فرادستی به آب، نگاه ابزاری برای دستیابی به اهدافی فراتر از آب است. اما مواردی همچون فزونی‌خواهی اسرائیل در فرودستی رودخانه اردن و زیاده‌خواهی مصر در پایین‌دستی رودخانه نیل، بیانگر این است که مانع دستیابی به توافق نه تنها در موقعیت «فرادستی» بلکه در موقعیت «هیدروژمونی» است. در این خصوص مطابق تئوری، ممکن است کشوری از نظر موقعیت جغرافیایی در وضعیت بالادستی قرار داشته باشد، اما این عامل به تنهایی نمی‌تواند موجب «برتری هیدروژمونی» یا بهره‌گیری مطلوب‌تر از منابع آبی برای آن کشور گردد. به عبارتی جغرافیا تنها زمانی کارساز است که واحد بالادستی قدرت جغرافیایی را با دیگر قدرت‌های مالی، اقتصادی، نظامی و دیپلماسی درآمیخته باشد. چنانچه مصر و اسرائیل به عنوان واحدهای فرودستی، به دلیل وزن ژئوپلیتیک مطلوب نسبت به دیگر کشورهای بالادستی و نیز قراردادهای وضع شده (در مورد مصر)، هم‌چنان سهم مطلوبی را به عنوان حقه دریافت می‌نمایند. نتیجه اینکه ساختار هیدروژمونی و به تبع آن مناسبات هیدروپلیتیک در یک حوضه، متناسب با قدرت واحدهای عضو، و متاثر از فراز و فرود منابع مادی و غیرمادی این واحدها است.

شرایطی که در سطح حوضه رودهای داخلی نیز قابل درک است. در واقع، میزان منابع مادی و معنوی قدرت هر واحد سیاسی - فضایی فروملی در سطح یک حوضه، تعیین‌کننده میزان تخصیص منابع آب به آن واحد خواهد بود. منابع مادی که یا برگرفته از ویژگی‌ها و اهمیت ذاتی و ژئوپلیتیک (موقعیت و منابع) یک واحد سیاسی - فضایی برای دولت مرکزی است و یا منابع معنوی که ماحصل رسوخ، چانه‌زنی و سیاست‌بازی مسئولان و نمایندگان آن واحد سیاسی - فضایی (با توجه به اهمیت آن واحد برای دولت مرکزی) در سطوح

بالاتر ملی است. که در هر دو صورت قدرت بیشتری را برای آن واحد سیاسی - فضایی جهت بهره‌برداری مطلوب‌تر از منابع آب در سطوح محلی و منطقه‌ای فراهم خواهد آورد.

در این خصوص، مسئله پروژه سد معشوره از آن دست موضوعات است که چرایی عدم ساخت آن در قالب مفهوم «هیدروهمونی فروملی»، قابل توجیه است. مطابق یافته‌ها، پیگیری‌های واحدهای سیاسی - فضایی پایین‌دست حوضه رودخانه کشکان، چه در سطح درون استانی (پلدختر) و چه در سطح منطقه‌ای (خوزستان)، در به سرانجام نرسیدن این پروژه و چشم‌پوشی دولت مرکزی در احداث آن موثر بوده است. بر این اساس، مطابق چارچوب با توجه به ویژگی‌های تقریباً مشابه شهرستان پلدختر - به لحاظ جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و امنیتی)، نسبت به شهرستان کوهدشت، می‌توان چنین استنباط کرد که این حساسیت دولت مرکزی نسبت به مسائل «امنیتی» و بیم از ایجاد اعتراض و ناآرامی در سطح شهرستان پلدختر است، که مانع تخصیص بودجه و عدم ساخت سد در بالادست رودخانه کشکان می‌شود. در واقع آنچنان که مسئولین این شهرستان می‌گویند، خطر کم‌آبی برای زندگی کشاورزی و معیشت در این منطقه، و بیکاری و عواقب ناشی از آن ممکن است به امنیتی‌شدن موضوع منجر گردد. مضاف بر اینکه نمایندگان و مسئولان پلدختری با توجه به تجربه آزاد راه «خرم‌آباد - پل‌زال»، که موجب بیکاری چند هزار نفر از مردم این شهرستان شده است، همواره خود را در خطر انتقاد و اعتراض مردم حوزه مسئولیت و انتخابیه‌اشان خواهند دید. بدین ترتیب مسائل امنیتی به شکل غیرمستقیم میزان تخصیص منابع ملی یا سرمایه‌گذاری‌های خصوصی جهت داده شده از سوی حکومت مرکزی را برای ادامه روند ساخت سد با مشکل مواجه کرده است. به عبارتی در سطح درون استانی «همونی امنیتی» بخش پایین‌دستی (پلدختر) حوضه رودخانه، موجب شده است که بخش بالادستی (کوهدشت) با ضعف در «همونی اقتصادی»، نتواند منابع مالی مورد نیاز احداث سد را فراهم نماید.

در سطح منطقه‌ای نیز به مانند سطح محلی (درون استانی)، اهمیت استراتژیک استان خوزستان و نقش و جایگاه این استان به لحاظ مسائل مختلف، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ... برای کشور، مانع از این است که دولت مرکزی ریسک نارضایتی و ناآرامی را در این استان بپذیرد. مضاف بر اینکه تعدد بالای نمایندگان این استان خوزستان (۱۸ نفر) در مجلس به نسبت استان لرستان (۹ نفر)، خطر استیضاح وزاری مربوطه دولت را نیز به همراه خواهد داشت. به عبارتی توان و نفوذ نمایندگان، شخصیت‌ها و مسئولان سیاسی محلی در تصمیم‌گیری‌های حکومت مرکزی و ساختارهای ملی همچون مجلس، موجب می‌شود، علاوه بر اینکه استان خوزستان نسبت به استان لرستان از «همونی سیاسی» بالاتری برخوردار باشد، با توان چانه‌زنی و لابی‌گری مسئولان محلی این استان در ساختارهای ملی، از «قدرت دیپلماسی» بالاتری نیز بهره گیرند.

منابع

بیرانوندی، وحید. رقیه، جهدی (۱۳۹۹). نقش منابع آبی در جهت‌گیری مدیریت محصولات زراعی (مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت). فصلنامه آمایش سرزمین، ۱۲(۲): ۴۵۵ - ۴۳۱.

- حاتمی، عباس. سوسن، نوربخش (۱۳۹۸). بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان براساس نظریه زمین‌های. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۷۳): ۱۲۳-۱۴۲.
- حقی‌آبی، امیرحمزه. صمد، امامقلی‌زاده (۱۳۹۴). پیش‌بینی فرسایش کناری بخش‌های پیچانرودی رودخانه‌ی کشکان. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۳(۴۰): ۱۲۵-۱۳۸.
- رشیدی‌نژاد، احمد. کاویانی‌راد، مراد و افشین، متقی (۱۳۹۹). نسبت همگرایی ملی با رویکرد هیدروپلیتیک: نمونه پژوهی طرح‌های سدسازی در خاور ترکیه. فصلنامه مطالعات اجتماعی اقوام. ۱۱(۱): ۱۰۵-۸۵.
- رشیدی‌نژاد، احمد. کاویانی‌راد، مراد و افشین، متقی (۱۴۰۰). نسبت مناسبات هیدروپلیتیک با تغییر ساختار هیدروژمومون نمونه پژوهی سد رنسانس در اتیوپی. فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۳۰(۱۱۷): ۱۳۳-۱۵۰.
- رستمی، فرزاد. مسعود، نادری (۱۳۹۲). بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۵(۱): ۱۶۱-۱۹۲.
- رحیمیان، مهدی (۱۳۹۵). عوامل اثرگذار بر مدیریت پایدار منابع آب در بین گندمکاران آبی شهرستان کوه‌دشت. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲(۲): ۲۳۳-۲۴۷.
- زینتی فخرآباد، محمد مهدی. عسگری مقدم، مصطفی (۱۴۰۰). آینده پژوهی پیامدهای امنیتی بحران منابع آبی در نواحی مرزی ایران. جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۳): ۱۷-۱.
- شایان، سیاوش. شریفی‌کیا، محمد و هدیه دهستانی (۱۳۹۲). استخراج و اندازه‌گیری تغییرات مورفولوژیکی رودخانه کشکان ناشی از برداشت منابع شن و ماسه. نشریه فضای جغرافیایی، ۱۳(۴۳): ۲۰۷-۱۹۱.
- مشهدی، علی. نرگس، اکبری (۱۳۹۹). تعهدات دولت‌های حوضچه هریرود در احداث تأسیسات آبی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۷(۶۳): ۳۰۹-۳۴۳.

Al-Ansari, N; Nasrat, A; Sven, K and Jan Laue. 2018. " Geopolitics of the Tigris and Euphrates Basins ". *Journal of Earth Sciences and Geotechnical Engineering*, vol . 8, no. 3, 2018, 187-222. ISSN: 1792-9040.

Castelo, J.2020. "10 Critical Water Scarcity Facts We Must Not Ignore". Website resilient. www.resilience.org/stories/2020-01-21/10-critical-water-scarcity-facts-we-must-not-ignore.

Campbell, I; Barlow, C. 2018. "KNOWLEDGE TRANSFER IN INTERNATIONAL WATER RESOURCE MANAGEMENT-SIX CHALLENGES". Australian Centre

for *International Agricultural Research.*
www.researchgate.net/publication/325869135

deQueiroz, A; Tiburcio James, F. 2018. "The Effectiveness of Governance Mechanisms in Scenarios of Water Scarcity: The Cases of the Hydropolitical Complexes of Southern Africa and Jordan River Basin". *Economics, Law and Policy*. ISSN 2576-2060.

Gleick, P. 2008. "The Global Water Crisis: a Question of Governance". Department of Foreign Affairs and International Trade Canada.

Ravid, R. 2019. "Dams, Development and the Future of Sino-Indian Hydro-Politics". *UCLA: Library*. Retrieved from <https://escholarship.org/uc/item/33s9j9rt>.

Klimes, M; David, M; Elizabeth, Y; Phillia, R. 2019. "Water diplomacy: The intersect of science, policy and practice". *Journal of Hydrology*. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2019.02.049>.

Martina, F; Christof, Schneider; Robert I, M. 2019. "Water competition between cities and agriculture driven by climate change and urban growth. *Nature Sustainability*". DOI: 10.1038/s41893-017-0006-8.

Grech-Madin, C; Stefan, D; Kyungmee, K; Ashok, S. 2018. "Negotiating water across levels: A peace and conflict "Toolbox" for water diplomacy". *Journal of Hydrology*. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2018.02.008>.

Otto, B; Schleifer, L. 2020. "Domestic Water Use Grew 600% Over the Past 50 Years". *World Resources Institute*. www.wri.org/blog/2020/02/growth-domestic-water-use.

SEIFU MERID, H. 2016. "GRAND ETHIOPIAN RENAISSANCE DAM AND CHANGING POWER RELATIONS IN THE EASTERN NILE BASIN". A Thesis Submitted To the School of Graduate Studies of Addis Ababa University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in Peace and Security Studies.

Worcester, M. 2016. "Water Security -A Source of Future Conflicts? ". *Institut fur strategie- politik- sicherheits und wirtschaftsberatung*. Berlin.

Warner, J. 2004. "Mind the gap-working with buzan: the Illisu Dam as a security issue". SOAS Water Issues Study Group, School of Oriental and African Studies/King's College-London. Occasional Paper 67.

(2014). "Water and Poverty: How Access to Safe Water Reduces Poverty". Website [ifewater](http://ifewater.org).

<http://lsrw.ir>



www.iwpcو.ir/st/12

www.parliran.ir/majles/fa

www.irna.ir/news/81469915

<https://lifewater.org/blog/water-poverty>.

www.unwater.org/water-facts/transboundary-waters